

هلمشهری



کمین شکار چیان روباه در بوستان های جنگلی

قتل روباه‌ها به‌خاطر دم چند میلیون!

گزارش رضانیکنام روزنامه‌نگار

شکاری‌ها این بار نه در فضای کوهستان و جنگل، بلکه در دل بوستان‌های جنگلی تهران، برای شکار روباه‌های شهری کمین کرده‌اند؛ ابزار کارشان هم ساده‌تر شده و بدون اینکه حتی یک گلوله از اسلحه شلیک کنند یا مواد غذایی آغشته به داروهای بیهوشی این حیوان زبان بسته را شکار و به اهداف پلید و شوم خود می‌رسند.

به گزارش همشهری، این روزها که روباه‌ها برای پیدا کردن غذا وارد فضاهای شهری شده‌اند، شکار چیان سودجو هم دست به کار شده و برای رسیدن به دم چند میلیون تومانی آنها کمر به قتل روباه‌های بسته‌اند. بوستان جنگلی قائم (عج) یکی از همین پارک‌هاست که در نیمه‌های شب شاهد حضور شکار چیان سودجو است. یکی از شاهدان عینی به همشهری می‌گوید: «چند هفته قبل هنگام عبور از کنار دریاچه متوجه روباه‌ی شدیم که بی‌حال و بی‌حرف روی چمن افتاده بود. چند قدم مانده بود که به روباه برسیم که یک نفر زودتر از ما به محل رسید و حیوان را داخل گونی انداخت و فرار کرد.»

نکته‌ای میانسال این بوستان جنگلی، هم از ترزدن شبانه روباه‌ها در محوطه فضای سبز کاملاً با خبر است و هم از وجود شکارچی‌های بی‌رحم، اصلاً افراد کمتری در بوستان جنگلی حضور دارند و به

یکبار هم که شاهد حمله این افراد برای گرفتن یک قلاده روباه بوده با آنها گلاویز و زخمی شده اما نگذاشته که این حیوان زبان بسته را اسیر کنند. او می‌گوید: «روبه‌های گرسنه برای پیدا کردن غذا اینجا می‌آیند که گاهی از بخت بدشان در دام شکارچی‌ها می‌افتند و به‌خاطر دم چند میلیونی به قتل می‌رسند. به گفته او، شکر دم شکار چیان روباه در نوع خودش جالب است. معمولاً داخل تخم مرغ آبیژ مقداری داروی بیهوشی می‌ریزند و آن را در مسیر تردد این حیوان می‌گذارند. از آنجایی که روباه به خوردن تخم مرغ اشتیاق فراوانی دارد، خیلی زود به دام شکارچی‌ها می‌افتد. روباه‌ها پس از خوردن تخم مرغ‌ها فقط ۱۰ تا ۱۵ دقیقه به هوش هستند و بعد از آن بی‌حرف روی زمین می‌افتند و دیگر متوجه نیستند چه بلایی سرشان می‌آید. شکارچی‌ها بعد کشتن شان، پوست و دم آنها را به مشتریان شان می‌فروشند. نکته‌بان بوستان جنگلی قائم(عج) نگران افزایش این روباه‌هاست؛ چرا که در طول چندماه گذشته حس می‌کند تعداد روباه‌های این بوستان کمتر شده است؛ شاید شکارچی‌ها هنوز در گوشه و کنار این بوستان جنگلی مشغول طعمه‌گذاری و شکار روباه‌ها باشند.

او در ادامه به نکات دیگری نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «زمان حضور شکارچی‌های روباه اغلب بین ساعت ۲ تا ۴ صبح است؛ چون در این زمان افراد کمتری در بوستان جنگلی حضور دارند و به

راحی می‌توانند نقشه خود را عملی کنند. به گفته این مرد، وظیفه اصلی حفاظت از گونه‌های جانوری وحشی مثل روباه، بر عهده سازمان محیط زیست و محیط‌بانی است نه شهرداری، اما با این حال در صورت مشاهده شکارچیان روباه با کالتری محل تماس می‌گیرند و روباه‌های زخمی و گرفتار را نیز با همکاری آتش‌نشانی به درمانگاه حیوانات منتقل می‌کنند تا بعد از بهبودی در فضاهای سبز حفاظت شده رها شوند. وی می‌گوید: شکار روباه در نقاط مختلف شهر تهران وجود دارد، از بوستان‌های جنگلی سوهانک، طالقانی، یاس قاطمی، چیتگر، کوهسار، پردیسان و خرگوش دره گرفته تا سرخه حصار، لویزان، افرا، توسکا و پارک ملی خجیر.



شده سازمان محیط زیست قرار ندارد قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کند مگر اینکه اینگونه بوستان‌ها نیز حفاظت شده قلمداد شوند. البته بوستان‌های ملی و حفاظت شده شرایط و بزهای دارند مثلاً به جز روباه، حیوانات وحشی و شکاری دیگری مثل شغال، کفتار، عقاب و... در آنجا زیست دارند.»

محمدی، اضافه می‌کند: «به‌هر حال روباه قرمز یا شهری خاسته و با ناخواسته به سکونتگاه انسان‌ها نزدیک نشده و به این طریق مورد سوءاستفاده شکارچیان قرار می‌گیرد، بنابراین لازم است برای نجات جان این حیوان و جلوگیری از قتل روباه‌ها، مجازات سختی در نظر گرفته شود و اینکه در شرایط کنونی اینگونه حیوانات را به شکل مناسب در اختیار گرفته و در بوستان‌های حفاظت شده تهران رهاسازی کرد.»

کوتاه‌تر از گزارش



انتقام اسیدی خواستگار سمج از زن جوان

پسر جوان وقتی از زن مورد علاقه‌اش جواب رد شنید در اقدامی هولناک دست به اسیدپاشی زد. به گزارش همشهری، شامگاه دوشنبه ششم شهریور، پسر جوان وارد یک مغازه فست‌فودی در بلوار فردوس شد. او که جاقویی در دست داشت، کارکنان رستوران و مشتری‌ها را تهدید کرد و خواست فوراً آنجا را ترک کنند. مشتریان و پرسنل از ترس شان فوراً فرار کردند و پسر مهاجم پس از قفل کردن در مغازه، سوراخ صاحب مغازه که زنی به نام ستاره بود، رفت.

او ستاره را می‌شناخت و از مدتی قبل که با وی آشنا شده بود، عاشقش شده و به او پیشنهاد ازدواج داده بود اما پس از شنیدن جواب منفی به آنجا آمده بود که انتقام بگیرد.

شاهدان، ماجرا را به پلیس اطلاع دادند و تیمی از مأموران راهی محل حادثه شدند. مرد گروگانگیر جاقو را به سمت زن جوان گرفته و تهدید می‌کرد که اگر کسی دخالت کند، او را به قتل می‌رساند. در نهایت بعد از گذشت ۷ ساعت، مأموران موفق شدند وارد مغازه فست‌فودی شوند و مرد جوان را بازداشت کنند. به بیمارستان انتقال یافت. پلیس دیگرواسیدپاشی تحت بازجویی قرار گرفت و درباره انگیزه‌اش گفت: من عاشق ستاره بودم و او خواستگاری کردم اما جواب او منفی بود. به همین دلیل بود که تصمیم به انتقام جوسی گرفتم و درحالی‌که مشروبات الکلی مصرف کرده بودم وارد مغازه فست فودی شدم و پس از گروگانگیری، به روی دست‌ها و بدن ستاره اسید ریختم. منم به دستور قاضی محمد رضا صاحب جمعی، بازپرس جنایی تهران بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره ششازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

جنایی

قتل خواهر بر سر حرف‌های همسایه

شماه پس از ناپدید شدن دختر جوان، اسرار قتل هولناک او با دستگیری برادرش فاش شد. به گزارش همشهری، یکی از روزهای تیرماه امسال مردی جوان به اداره پلیس رفت و خبر از ناپدید شدن خواهرش وی گفت: خواهرم زیبا از فروردین امسال به طرز عجیبی ناپدید شده و کسی از سرنوشته او اطلاعی ندارد. من و زیبا به همراه پدرمان زندگی می‌کنیم و خواهرم مدتی قبل در هتلی در مشهد مستول به کار شده بود. او آخرین بار هشتم فروردین امسال برای رفتن به محل کارش در مشهد از خانه بیرون رفت و می‌دانستم. در همه این مدت تصور می‌کردیم که در مشهد است اما وقتی خبری از او نشد و به تماس‌ها یان جواب نداد به هتلی که در آنجا مشغول به کار شده بود زنگ زدیم اما مسئولان هتل می‌گفتند که مدت‌هاست از خواهرم بی‌اطلاع هستند و او از ابتدای سال دیگر برگشته است. در ادامه ما به سراغ تمام دوستان و آشنایان او رفتیم اما کسی از سرنوشته او اطلاعی نداشت. در نهایت پدرم اصرار کرد تا ناپدید شدن او را به پلیس گزارش کنیم اما من همچنان احتمال می‌دهم که خواهرم بی‌خبر از ما جایی رفته و یا تصمیم گرفته به خارج از کشور برود.



با ثبت اظهارات مرد جوان، تحقیقات پلیس برای پیدا کردن دختر ناپدید شده آغاز شد. مأموران از بیمارستان‌ها و کالتری‌هاستعلام گرفتند اما ردی از دختر جوان به‌دست نیامد. کارآگاهان در ادامه به بررسی مکالمات تلفنی دختر جوان پرداختند که مشخص شد آخرین بار برادرش در تماس بوده است. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داد که زیبا پیش از ناپدید شدن با برادرش در یکی از خیابان‌های تهران دیده شده است. همچنین شواهد حکایت از این داشت که این خواهر و برادر ارتباط خوبی با هم نداشتند. وقتی که‌های پازل کنار هم قرار گرفت، انگشت اتهام به سمت برادر نشانه رفت. در این شرایط بود که قاضی محمد مهدی براعه، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران دستور بازداشت مرد جوان را صادر کرد. بازجویی‌ها از او ادامه داشت تا اینکه روز گذشته او اسرار ناپدید شدن خواهرش را فاش کرد و گفت: من جان خواهرم را گرفتم و جسدش را به آتش کشیدم. وی ادامه داد: یک روز قبل از قتل یکی از همسایه‌ها را در سد کرد و پشت سر خواهرم حرف‌هایی زد. حرف‌هایی که خونه را به جوش آورد و همان روز تصمیم گرفتم جانش را بگیرم. روز حادثه به خواهرم زنگ زدم و با او در خیابان خراسان قرار گذاشتم. وقتی سوار ماشینم شد به سمت جاده سواره حرکت کردم و وارد فرعی شدم. در آنجا که محل خلوتی بود خواهرم را از ماشین پیاده کردم و با ریختن بنزین روی او، وی را به آتش کشیدم و جسدش را همانجا برآدم کردم. پس از آن وانمود کردم که او گم شده است، تا اینکه با اصرار پدرم، تصمیم گرفتم ناپدید شدن او را به پلیس گزارش کنم. با اعتراف این متهم، بازپرس جنایی دستور داد مأموران راهی محل حادثه شوند تا جسد سوخته دختر جوان را کشف کنند.

پنجگیزی

جان‌باختگان اتوبوس زائران به ایران منتقل شدند

به‌دنبال جان باختن هفت‌زائران ایرانی و مجروح شدن ۲۳ نفر دیگر در تصادف اتوبوس زائران و یک تریلی، یکتر جان‌باختگان و همچنین مجروحان به ایران منتقل شد. به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۱۷:۳۰ روز سه‌شنبه، زمانی اتفاق افتاد که اتوبوس حامل زائران ایرانی که از بصره عازم ناصریه عراق بود، با یک تریلی تصادف کرد. دبیرستاد اربعین و رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی ابادان گفت: ۲۳ نفر مصدوم و هفت نفر ایرانی حادثه تصادف در ۲ مرحله از طریق مرز شلمچه به کشور منتقل شدند. سید نادر نقیعی افزود: به‌دنبال این حادثه، ۴ آمبولانس و یک اتوبوس آمبولانس با هماهنگی مرکز مستقر در مرز شلمچه به نقطه سفر مرزی اعزام و تعداد ۱۶ مصدوم از طرف عراق تحویل گرفته شدند. در ادامه نیز یکتر ۶ نفر فوتی و سایر مصدومان از طریق مرز شلمچه تحویل گرفته شدند که بلافاصله مقدمات انتقال حاده‌بندگان در دستور کار قرار گرفت.



دستور بازپرس جنایی در پرونده مرگ ۲ پسر خردسال

به‌دنبال غرق شدن ۲ پسر خردسال در استخر بوستان زیتون و شکایت خانواده‌هایشان در دادسرای جنایی تهران، هیأت کارشناسی مأموریت یافتند با بررسی ابعاد این حادثه دردناک، مقصران را شناسایی کنند. به گزارش همشهری، این حادثه دوم شهریورماه اتفاق افتاد. آن روز اعضای خانواده برای تفریح به بوستان زیتون واقع در منطقه ۲۱ تهران رفته بودند. زمانی که بچه‌ها سرگرم بازی بودند، ناگهان توپ بازی‌شان به داخل استخری که پشت شمشادها بود افتاد و ۲ پسر خردسال برای آوردن توپ وارد استخر شدند؛ غافل از اینکه عمق آب استخر حدود ۴ متر است و حادثه‌ای هولناک انتظارشان را می‌کشد.

به‌دنبال غرق شدن ۲ پسر در این حادثه دردناک، پرونده‌ای در شعبه سوم بازپرسی دادسرای امور جنایی تهران تشکیل و تحقیقات برای رازگشایی از مرگ ۲ کودک کلید خورد. این در حالی بود که بررسی‌های اولیه از محل حادثه نشان می‌داد که اطراف محل حادثه، فسنی وجود داشته اما ظاهر این فسن دچار نقص بوده و بچه‌ها با عبور از آن به داخل استخر سقوط کرده بودند. این در حالی بود که به گفته شهرداری، پیش از وقوع این حادثه وجود نقص در فسن دور استخر به پیمانکار گزارش و برای تعمیر آن درخواست شده بود اما این اتفاق رخ نداده بود.

در حالی که تحقیقات در این پرونده ادامه دارد صبح دیروز خانواده ۲ پسر خردسال راهی دادسرای جنایی تهران شدند و شکایت خود را علیه مقصران مرگ پسران شان مطرح کردند. پدر یکی از بچه‌ها به بازپرس محمد مهدی براعه گفت: پسر من صدرا ۸ساله بود و آن روز به همراه پسرخاله‌اش به پارک رفته بودند. مادر شهر قفس زندگی می‌کنیم و آن روز همسرم و خواهرش نیز همراه بچه‌ها بودند.

وی ادامه داد: ما بارها به پارک رفتیم اما هیچ وقت استخری که پشت بوته‌ها و محوطه فسن بود را ندیده بودیم. آن روز وقتی بچه‌ها سرگرم بازی بودند ناگهان توپ‌شان بودند ناگهان توپ‌شان به آن سوی بوته‌ها افتاد. پسر صدرا برای برداشتن توپ از فسن‌ها که باز بود عبور کرد اما ناگهان به داخل استخر پر از آب افتاد. بعد از او پسر خاله‌اش به نام امیرحسین که او هم به‌دنبال صدرا و توپ رفته بود درون استخر افتاد. برادر دوقلوی امیرحسین هم با دیدن این صحنه به سرعت مادر و خاله‌اش را خبر کرد اما دیگر کار از کار گذشته بود. وقتی اورژانس رسید اجساد پسر و پسرخاله‌اش را از داخل استخر که ۴ متر عمقش بود بیرون کشیدند و همه ما داغدار شدیم.

وی ادامه داد: آن روز ننگه‌هایی در پارک نبود. حتی در محوطه محل حادثه هیچ علامت هشدار دهنده‌ای وجود نداشت که نشان دهد پشت بوته‌ها استخر قرار دارد که به آن نزدیک نشوند. همچنین فسن محوطه، باز بود که خودش پر خطر و باعث قتل بود بچه‌ها به راحتی از آن عبور کنند. پس از شکایت والدین قربانیان، به دستور بازپرس جنایی تهران، هیأت آفره کارشناسی تشکیل شد تا بررسی محل حادثه، مقصران این حادثه مرگبار معرفی کنند.

